

واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی

در کودکان پیش‌دبستانی

سعید سجادی‌اناری^{*}، غلامعلی افروز^۱، معصومه ضابطی آرانی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: پیوند روشنی بین کیفیت برنامه سال‌های اولیه کودکی و موفقیت تحصیلی و اجتماعی فرد در سال‌های آنی زندگی وجود دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی به انجام رسید.

روش پژوهش: روش پژوهش مطالعه حاضر، کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونه پژوهش ۲۰ نفر از مادران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش با تکیه بر تجربه زیسته مادران و با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته در مورد نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفت. بررسی روابط صوری پر سشن‌های مصاحبه، با نظر سایید گروه روان‌شناسی و صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های کیفی انجام شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی و نرم افزار MAXODA نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر در ۲ مضمون اصلی، مهارت‌های شناختی با ۷ زیرمضمون «حافظه فعال، پردازش دیداری، باز‌شناختی، یادآوری و پردازش اطلاعات، حل مسئله و بازی‌های هدفمند» و مهارت‌های اجتماعی با ۴ زیرمضمون «خانواده، کلاس‌های آموزشی، ارتباط با همسالان و توأم‌نمدی در مهارت‌های اجتماعی» به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به این که موفقیت کودکان در مدرسه به رویدادهای بستگی دارد که قبل از سن مدرسه تجربه کردند، لازم است که کودکان قبل از ورود به دبستان با انجام برنامه‌های هدفمند در مهارت‌های بنیادی مانند مهارت‌های شناختی و اجتماعی که لازمه موفقیت تحصیلی در سنین مدرسه است، توأم‌نمدی کسب کنند.

وازگان کلیدی: مهارت‌های شناختی- اجتماعی، نگرش، مادران، کودکان پیش‌دبستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۷

۱. دکتری تخصصی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول*: Sajjadi.saeid@ut.ac.ir)

۲. استاد ممتاز، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کاندیدای دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی انسان و دوره‌ای شاخص چهت توسعه مهارت‌های بنیادی است (مفیدی، ۲۰۱۴). در این دوره کودک یک یادگیرنده فعال در ساختار یادگیری و فهمیدن می‌باشد و دانشی که در این دوران به دست می‌آورد، بسیار مهم و تعیین‌کننده است (کروگ و اسلتنز، ۲۰۱۱). با توجه به این که مقدار قابل توجهی از یادگیری در سنین پایین اتفاق می‌افتد، آموزش صحیح و مؤثر در این دوره باعث رشد بهنجار در دوره‌های بعد خواهد شد (روسکوسوس، ۲۰۰۹). تجارت سال‌های اولیه کودکی، موجب شکل‌گیری پایه و اساس شخصیت کودک می‌شود. آگاهی از این موضوع ما را به سمت بیشترین سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش کودکان در سنین اولیه زندگی به عنوان پربازده‌ترین نوع مداخله نسبت به سال‌های بعد، سوق می‌دهد (هکمن و مو سو، ۲۰۱۴). بر همین اساس در بیشتر کشورهای پیشگام از خدمات مراقبت کودکان و آموزش‌های جامع به آن‌ها در دوره پیش‌دبستانی استفاده می‌شود، بهنحوی که امروزه تخمین زده می‌شود از هر چهار کودک، سه نفر از خدمات اولیه بهنگام استفاده می‌کنند (گوته و همکاران، ۲۰۱۷^۴).

کسب مهارت‌های شناختی- اجتماعی باعث می‌شود تا کودک، اطلاعات را در ارتباط با دیگران تبادل، دریافت و پردازش کند. این روش‌ها شامل برخی فرآیندهای شناختی مانند ارتباطات و دیدگاه یادگیری است. چنین مهارت‌هایی را به عنوان توانایی تعامل با دیگران در موقعیت اجتماعی معین به روش ویژه تعریف می‌کنند که از نظر اجتماعی هم برای شخص و هم برای دیگران مفید است (فورستر، ۲۰۱۳^۵). برقراری تعامل بین فردی موثر، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان موفق است. در مدرسه دانش‌آموزان هرچه بتوانند با دیگران، اشیاء اطراف و حتی لحظه‌های زندگی خود ارتباط بهتر و مؤثرتری برقرار کنند، احساس مؤقیت بیشتری خواهند داشت. از این رو دانش‌آموزانی که تعاملات بین فردی مناسبی دارند باید به روش‌ها و مهارت‌های ارتباطی مجهز گردند تا بتوانند ارتباط موثری با سایر افراد برقرار نمایند (هرناندز و همکاران، ۲۰۱۹^۶).

مهارت‌های شناختی در دو دسته مهارت‌های تفکر و کارکردهای اجرایی قرار می‌گیرند. مهارت‌های تفکر شامل تفکر ادراکی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و فراشناخت است. کارکردهای اجرایی به فرآیندهای عالی و عصب شناختی لوب پیشانی مغز اطلاق می‌شود که جهت خودنظم‌دهی به رفتار به کار گرفته می‌شود. کارکردهای اجرایی بروندادهای رفتار را تنظیم می‌کنند و عموماً شامل بازداری و کنترل محرک‌ها،

^۱Krgoh, S. L., Slentz, K

^۲Roskos, K. A

^۳Heckman, J., Mosso, S

^۴Côté, S. M., & Colleague

^۵Forrester, M. A

^۶Hernández, P., & Colleague

۳۰ فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی؛ سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، تابستان ۱۴۰۰

حافظه‌فعال، انعطاف‌پذیری شناختی، برنامه‌ریزی و سازماندهی هستند. اختلال در هر کدام از مؤلفه‌ها، ممکن است باعث اثرات مخربی بر فعالیت‌های روزمره زندگی افراد مانند توانایی کار کردن، توانایی توجه و تمکن در مدرسه، حفظ روابط اجتماعی و ایجاد رفتارهای اجتماعی و هیجانی نامناسب گردد(دنکلا^۱). پژوهش‌های اخیر انجام‌شده بر روی مهارت‌های شناختی نشان می‌دهد که آموزش‌های دوران ۲۰۰۵ پیش از دبستان، نقشی بسیار مهم در یادگیری هر از سان و بر پیشرفت دانش‌آموزان در سنین مدرسه دارند(ناتبراؤن^۲، ۲۰۱۱).

برخی از محققان معتقدند که بسیاری از توانمندی‌های شناختی از جمله کارکردهای اجرایی^۳ در سنین سه تا هفت سالگی تغییراتی اساسی می‌یابند که این زمان، با حضور در مراکز پیش‌دبستانی مقرون است. در همین راستا، محققان معتقدند اوایل کودکی، بهویژه سال چهارم که مؤلفه‌های کارکارد اجرایی نقش محوری در انجام تکالیف شناختی ایفا می‌کنند، اساسی ترین زمان جهت رشد کارکردهای اجرایی است؛ به علاوه کارکرد اجرایی عاملی معنادار و پیش‌بینی‌کننده برای توانایی و پیشرفت تحصیلی در آینده است(ریم کافمن، ۲۰۰۹^۴).

دانش‌آموزانی که در زمینه کارکردهای اجرایی توانایی بیشتری دارند، نسبت به همسالان خود عملکرد تحصیلی بالاتری نشان می‌دهند. به علاوه تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که در مقطع پیش‌دبستانی کارکردهای اجرایی قوی‌تری دارند از آموزش و تمرین، بهره بیشتری می‌برند. همچنین رشد سریع کارکردهای اجرایی در سنین پیش از دبستان، کودکان را قادر می‌سازد تا در انجام تکالیف، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند(بارکلی^۵، ۲۰۰۱). یکی از مؤلفه‌های مهم کارکردهای اجرایی که در امر آموزش و پیشرفت تحصیلی ضروری است، توجه است(کرک و همکاران^۶، ۲۰۰۶). توجه به مجموعه‌ای از عملیات پیچیده ذهنی اطلاق می‌شود که شامل تمکن بر هدف یا درگیر شدن با آن، نگهداری شتن یا تحمل کردن و گوش به زنگ بودن در یک زمان طولانی، رمزگردانی ویژگی‌های محرک و تغییر تمکن از یک هدف به هدف دیگر است(سیدمن^۷، ۲۰۰۶).

علاوه بر مسائل شناختی، یکی از نیازهای روان شناختی کودکان در مرحله رشدی پنج تا هفت سال، بازی با همسالان، استقلال از خانواده و شروع تعاملات بین فردی در بستر جامعه می‌باشد. این موضوع، از سویی به معنای نیاز به برقراری رابطه با همسالان بوده و از سویی دیگر آسیب‌پذیری این کودکان به‌علت نداشتن سطح مناسبی از مهار هیجانی و مهارت‌های رفتاری و تحول زبانی است. در این صورت، شکافی

^۱ Denckla, M. B

^۲ Nutbrown, C

^۳ Executive Function

^۴ Rimm-Kaufman, S. E

^۵ Barkley, R. A

^۶ Kirk, S., & Colleague

^۷ Seidman, L. J

۳۱ واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی...

پدید می‌آید که از یک طرف تمایل و فشار موقعیتی برای تعامل با همسالان، و از دیگر سو ظرفیت شناختی و اجتماعی واقعی برای این تعامل جهت پرکردن این شکاف، نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی را پرنگ‌تر می‌کند(ویر و همکاران؛ ۲۰۱۸).

مهارت‌های اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف شده است که به افراد توانایی شروع و حفظ روابط اجتماعی مثبت، تعامل برای پذیرش همسالان و رویارویی مثبت با مشکلات را می‌دهد. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی به اندازه کافی قوی هستند در مقایسه با کودکان فاقد این مهارت‌ها، در برقراری رابطه با همسالان و یادگیری در محیط‌های آموزشی، عملکرد بهتری دارند؛ زیرا داشتن مهارت‌های اجتماعی سبب بهبود روابط بین فردی، تحول اجتماعی و استقلال طلبی می‌شود(ابراهیمی و همکاران، ۲۰۱۹).

اکتساب مهارت‌های اجتماعی، محور اصلی تحول اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازش‌بافتگی اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می‌آید. همه زندگی، حل مسئله‌است. این تو صیف کوتاه، تأکیدی است بر اهمیت و تلاش برای حل مشکلات کوچک و بزرگی که در زندگی روزمره ما روی می‌دهد. حل مسئله یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که می‌تواند بالندگی و بهداشت روانی کودکان را در مواجهه با مشکل‌های آینده حفظ و تقویت کند.

حل مسئله فرآیندی شناختی رفتاری است که طی آن، فرد یا گروه سعی بر آن دارند که به تشخیص یا کشف راه حل‌هایی برای مشکلی خاصی که با آن روبرو هستند، نائل آیند. یا به عبارت دیگر، این فرآیند مجموعه متفاوتی از راه حل‌هایی که به طور بالقوه می‌توانند در حل این مشکل موثر باشند را فراهم می‌سازد و احتمال گزینش موثرترین راه حل از میان انتخاب‌های متفاوت را افزایش می‌دهد(نارדיانش و همکاران؛ ۲۰۱۷).

به منظور موفقیت و یا پیشرفت تحصیلی، وجود دو مولفه مهارت‌های تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی در کنار یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد. متاسفانه امروزه توجه و تأکید سیستم‌های آموزشی به افزایش هوش دانش‌آموزان متتمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره‌های مناسب، فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند. از طرفی، با توجه به اهمیت دوران کودکی، اثربخشی کودکان از محیط‌های آموزشی و دوام و عمق یادگیری در این سنین، یادگیری مهارت‌های زمینه‌ساز موفقیت تحصیلی، زمینه مناسبی برای کسب تجربه موفق بعدی کودکان فراهم می‌آورد. از این‌رو، در پژوهش حاضر با طرح سوالاتی در زمینه مهارت‌های اصلی رشدی و شناسایی نگرش خانواده‌ها نسبت به مهارت‌های کودکان، عوامل مؤثر واکاوی شد و در نهایت سوالات تکمیلی در مورد نقش مهارت‌ها در

۱ Weber, S., & Colleague

۲ Problem-Solving

۳ Nurdyansyah, N., & Colleague

۳۲ فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی؛ سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، تابستان ۱۴۰۰

راستای موقیت تحصیلی مطرح شد تا در پی پاسخگویی به تمامی سوالات، نگرش مادران در مورد عوامل مؤثر بر کسب مهارت‌های شناختی-اجتماعی کودکان در سنین پیش‌دبستانی واکاوی شود. سوالات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشند:

۱. وقتی مهارت‌های حرکتی را می‌شنوید یاد چه چیزی در فرزندتان می‌افتد؟ شما در حال حاضر این مهارت‌ها را چگونه توصیف می‌کنید؟ برای این مهارت‌ها چه چالش‌هایی را متصور می‌شوید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۲. اگر مهارت‌های شناختی را حافظه کوتاه مدت، بلند مدت و فعل، توجه و تمرکز، حل مسئله و کارکردهای اجرایی بدانید، مهارت‌های فرزندتان را چگونه توصیف می‌کنید؟ برای بهبود چه اقداماتی را انجام داده اید؟ با چه چالش‌هایی مواجهه بوده‌اید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۳. مهارت‌های اجتماعی فرزند شما با هم سالان خود چگونه است؟ برای بهبود چه اقداماتی را انجام داده اید؟ با چه چالش‌هایی مواجهه بوده‌اید؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین نیازهای فرزندتان جهت رشد مطلوب در سن ۳ تا ۵ سال چیست؟
۵. مهم‌ترین توصیه و پیشنهاد شما برای مادرانی که فرزند ۳ تا ۵ سال دارند چیست؟

روش پژوهش

برای شناسایی عوامل مؤثر در نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی-اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی، از رویکرد اکتشافی جهت کشف عوامل مؤثر در این زمینه استفاده گردید. پژوهش حاضر، با استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی می‌باشد و با بهره‌گیری از تجارب زیسته‌ی مادران، به دنبال کشف عوامل مؤثر در مهارت‌پروری در کودکان است. از آنجایی که پژوهشگر در این پژوهش، دیدگاه مادران در مورد مهارت‌ها را در بازه زمانی ۱۵ فوروردين ۱۴۰۰ تا ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ مورد شنا سایی قرار داده و به دنبال تو صیف و تبیین داده‌ها بدون اعمال استنباط‌های شخصی پژوهشگران و صرف‌ا استفاده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان مورد توجه بوده است، لذا این مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است.

روش انتخاب شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های کیفی از نوع هدفمند و تعداد آن نیز به سطح اشباع نظری سؤال‌های تحقیق بستگی دارد. محققان در این پژوهش تلاش کردند تا به صورت نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاکی با آن دسته از شرکت‌کنندگانی که حداقل دارای سن ۳۰ سال، حداقل تحصیلات لیسانس و دارای یک فرزند در سنین پیش‌دبستان بودند، مصاحبه به عمل آورند که در مجموع با ۲۰ نفر از مادران مصاحبه انجام شد. در جدول ۱ ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

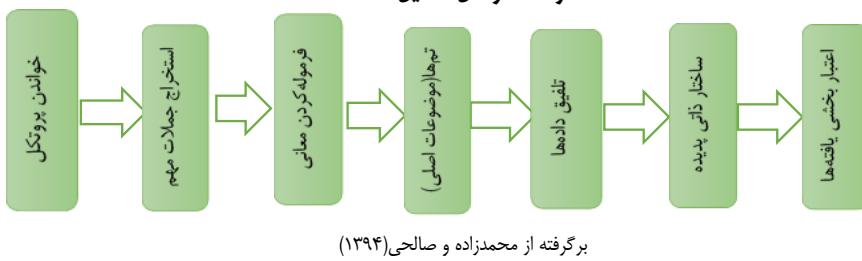
تحصیلات	شرکت کننده	سن	شرکت کننده
لیسانس	۳۰	۱۱	دندانپزشک
لیسانس	۳۵	۱۲	لیسانس

۳۳ واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی-اجتماعی...

لیسانس	۳۶	۱۳	لیسانس	۳۲	۳
لیسانس	۳۰	۱۴	لیسانس	۳۳	۴
لیسانس	۳۷	۱۵	لیسانس	۳۵	۵
فوق	۳۹	۱۶	لیسانس	۳۸	۶
لیسانس					
لیسانس	۳۵	۱۷	پژوهش متخصص	۳۸	۷
لیسانس	۳۳	۱۸	لیسانس	۳۲	۸
لیسانس	۳۰	۱۹	لیسانس	۳۰	۹
داروساز	۳۹	۲۰	لیسانس	۳۱	۱۰

به منظور شناسایی ملاک‌های نگرش مادران نسبت به مهارت‌های کودکان در سن پیش‌دبستانی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت مطالعه روایی صوری پرسش‌های مصاحبه، با استید گروه روان‌شناسی و صاحب‌نظران حوزه پژوهش‌های کیفی مشورت به عمل آمد. در مصاحبه سیزدهم اشیاع نظری داده‌ها حاصل شد ولی جهت اطمینان تا مصاحبه بیستم ادامه یافت و کد جدیدی استخراج نشد. اشیاع نظری، زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نتیجه برسد که در مرحله‌ای از کار به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه دست‌یافته و مفاهیم جدیدی ظهرور نیابند. به عبارت دیگر، سطح اشیاع داده‌ها به مرحله‌ای از گردآوری داده‌ها اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده شده به سوالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام شده کافی به نظر برسند، چرا که داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند(محمدپور، ۲۰۱۱). سپس متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه پیاده سازی و دستنویس شد. سپس اطلاعات به دست‌آمده از مصاحبه‌ها با روش هفت مرحله‌ای کالایزی تحلیل شد. بدین ترتیب، تمامی توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کننده در مصاحبه که پروتکل نام دارد، خوانده شد تا پژوهشگر با آن خوبگیرد، سپس عبارات و کلمات کلیدی که مستقیماً با پدیده مورد مطالعه در ارتباط است، استخراج شد که این مرحله با عنوان «استخراج جملات مهم» نام‌گذاری شده است. در این مرحله سعی شد تا به معنای هریک از جملات مهم بی‌برده شود که به این مرحله «فرموله کردن معانی» گفته می‌شود. در ادامه، مراحل فوق برای هر مصاحبه تکرار شد و معانی فرموله شده و مرتبط با هم در خوشه‌هایی از موضوعات اصلی قرار گرفت و نتایج در قالب یک تو صیف جامع از موضوع مورد پژوهش تلفیق شد. در مرحله بعد توصیف جامع پدیده مورد مطالعه به صورت یک بیانیه روشن و صریح از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه فرموله شده که تحت عنوان «ساختار ذاتی پدیده» نام‌گذاری می‌شود و در نهایت جهت اعتبار یابی یافته‌ها، مجدداً به شرکت‌کنندگان رجوع شد(کالایزی، ۱۹۹۷؛ به نقل از محمدزاده و صالحی، ۲۰۱۵).

نگاره ۱: مراحل تحلیل داده‌ها



روش شنا کیفی به جای استفاده از واژه پایابی، از ملاک اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد برای ارزیابی کیفیت نتایج تحقیق کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد، میزانی است که می‌توان به نتایج یک تحقیق کیفی اوتکا و اعتماد کرد (صالحی و هم‌کاران، ۲۰۱۵). برای تأمین اعتماد پذیری از روش گو با و لینکلن (۱۹۸۵) استفاده شد. این دو محقق، چهار ملاک باورپذیری،^۱ اعتمادپذیری،^۲ تأییدپذیری و قابلیت انتقال^۳ را برای بررسی اعتماد معرفی کرده‌اند. باورپذیری با قابل بودن پژوهش در ارتباط است. باورپذیری را استدلال‌ها و فرآیندهای ضروری جهت اعتماد به نتیجه تحقیق می‌دانند (ابوالعالی، ۲۰۱۲). در این پژوهش، جهت باورپذیری داده‌ها، از چهار روش ممیزی بیرونی،^۴ بازبینی نتایج توسط اطلاع‌رسان‌ها،^۵ چندسویه‌سازی^۶ و درگیری طولانی مدت استفاده شد.

چندسویه سازی: در چندسویه سازی، محقق علاوه بر شناسایی ادراک مادران با کار شنا سان نیز مصاحبه انجام داد و داده‌های به دست آمده از هر گروه مطابق با صحبت‌های گروه دیگر بود. در واقع صحت اطلاعات از چند جنبه مورد بررسی قرار گرفت.

- ممیزی بیرونی: در روش ممیزی بیرونی، فردی که به روش کار ماناظرات دارد، روش کار را مورد بازبینی قرار می‌دهد.
- روش کنترل مداوم: در ثبت داده‌های بخش کیفی، تلاش محققان بر این بود که فرآیند تحقیق با جزئیات دقیق ثبت شود. در این پژوهش از روش کنترل مداوم استفاده شده است تا روایی درونی یافته‌ها محقق شود.

^۱Guba, E. G., Lincoln, Y. S

^۲credibility

^۳dependability

^۴confirmability

^۵transferability

^۶external audit

^۷membercheck

^۸triangulation

^۹prolonged engagement

- بازبینی نتایج: در بازبینی و بررسی صحت اطلاعات به دست آمده، به منظور اعتباربخشی به داده‌های کیفی و اطمینان از موثق بودن داده‌ها، یافته‌های به دست آمده به شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه گردید و مورد تأیید آنان قرار گرفت.
- درگیری طولانی مدت: محققان، زمانی طولانی مدت (حدود ۴ ماه)، درگیر موضوع پژوهش بودند (صالحی و همکاران، ۲۰۱۵).

اعتماد پذیری و یا صحت داده‌ها، بیشتر به غنای داده‌ها، انسجام داده‌ها و توانایی تحلیل پژوهشگر بستگی دارد. اعتمادپذیری به وسعت تأیید تفسیر پژوهشگر توسط افراد دیگر اشاره دارد، یعنی به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا افراد دیگر غیر از پژوهشگر، تفسیر و نتیجه‌گیری او را تأیید می‌کنند(کینگ و هوراس، ۲۰۱۰ نقل از ابوالمعالی، ۲۰۱۲). در این پژوهش به منظور افزایش اعتمادپذیری و صحت داده‌ها، از سه نفر از استادی آشنا به ماهیت مسئله پژوهش کمک گرفته شد تا به بررسی و میزان باورپذیری تفسیرهای به عمل آمده از سوی پژوهشگر، پردازد.

به منظور ارزشیابی اتكاپذیری، لازم است تا پژوهشگر مدارک کافی مرتبط با پدیده مورد مطالعه را در اختیار داشته باشد و به طور مسرو乎 و دقیق، رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط پژوهش را تو صیف نماید.(هومن، ۲۰۰۶) در پژوهش حاضر نیز سعی شد تا با تهیه مدارک کافی در خصوص پدیده مورد مطالعه، به طور دقیق رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط پژوهش تو صیف گردد.

یافته‌ها

با تکیه بر نکات استخراج شده از مصاحبه‌های نیمه ساختاری یافته و یافته‌های بین‌المللی، پیامدهای برنامه مهارت‌های شناختی- اجتماعی بر نگرش مادران نسبت به کودکان پیش‌دبستانی مورد واکاوی قرار گرفت. در مجموع، ۲ مضمون اصلی به دست آمد و برای هر مضمون اصلی نیز، تعدادی زیرمضمون تقسیم‌بندی گردید. در واقع تحلیل عمیق مصاحبه مشارکت‌کنندگان، به استخراج ۲ مضمون اصلی شامل «مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اجتماعی» منتج گردید(نگاره شماره ۲).

مضمون اصلی ۱ : مهارت‌های شناختی

مهارت‌های شناختی، توانایی روانی است که با روند رشد فیزیکی همراه است و به ما اجازه می‌دهد اطلاعات مختلف را پردازش کنیم. به عبارت دیگر توانایی تفکر و استدلال، صحبت کردن، به‌خاطر سپردن، سازماندهی کردن، درک و فهمیدن، بخشی از آن است که در طول دوران کودکی پرورش پیدا می‌کند. از سن دو سالگی به بعد، مهارت‌های شناختی کودکان به طرز شگفت‌انگیزی رشد می‌کند. کودک قادر می‌شود به شکلی پیچیده فکر کند، از نمادها برای معرفی ذهنی اشیا که به شکل عینی حضور ندارند استفاده کند و سعی می‌کند اطلاعات ذهنی خود را به اشکال مختلف بیان کند(برک، ۲۰۱۴). در این

پژوهش، منظور از مهارت‌های شناختی، عواملی است که به موفقیت تحصیلی فرد در آینده کمک می‌کند. مضمون اصلی مهارت‌های شناختی در پژوهش حاضر را می‌توان در ۳ زیرمضمون دسته‌بندی کرد:

۱-۱: حافظه:

حافظه یک مفهوم کلی دارد و عبارت است از فرآیندی که به ساز و کار پویای مرتبط با ذخیره‌سازی، نگهداری و بازیابی اطلاعات اشاره دارد. توانایی یادگیری تا حد زیادی به حافظه وابسته است. وجود یک مشکل در حافظه، می‌تواند باعث بروز نشانگان متفاوتی شود که همگی به ماهیت و درج این دشواری به تکلیفی که باید یاد گرفته شود، بستگی دارد. اگر کودکی در بازشناسی و یا به خاطر آوردن اطلاعات شنیداری، دیداری و یا لمسی مشکل داشته باشد، عملکرد او در مورد هر تکلیفی به سختی چار مشکل خواهد شد (میرز، ۲۰۰۷). در این پژوهش، زیرمضمون حافظه به ۵ دسته تقسیم شده است:

۱-۱-۱: حافظه فعال:

حافظه فعال، سیستمی است که پردازش و ذخیره‌سازی موقت اطلاعات را بر عهده دارد و برای عملکردهای سطح بالای شناختی نیز ضروری است. حافظه فعال، علاوه بر ذخیره اطلاعات و فرآیند پردازش اطلاعات، مسئولیت تسهیل و افزایش ظرفیت کارکرد کدگذاری و بازیابی اطلاعاتی که برای یادگیری مهم می‌باشند را نیز بر عهده دارد. حافظه فعال، به عنوان یکی از سیستم‌های حافظه، اجازه حفظ اطلاعات را برای یک دوره زمانی کوتاه به فرد می‌دهد. این حافظه در خدمت اجرای مبتنی بر هدف، در طیف وسیعی از فعالیت‌های شناختی است (دیویس و همکاران، ۲۰۱۴). حافظه فعال با سواد خواندن، نوشتن و مهارت‌های محاسباتی مرتبط است و کودکانی که با حافظه فعال ضعیف به مدرسه وارد می‌شوند، بعید است که در یادگیری خواندن، نوشتن، ریاضیات و علوم در سه سال آینده در سطح مورد انتظار عمل کنند. کودکان با نقص در حافظه فعال، اغلب پیشرفت تحصیلی پایینی دارند، در دنبال کردن دستورالعمل‌ها شکست می‌خورند و در نتیجه از یادگیری به شکل جدی جلوگیری می‌شود (روبرت و همکاران، ۲۰۱۱). یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «یکی از کارهای ما تو خونه اینه که یه قصه براش میگم و بعد در مورد اون قصه ازش سوال می‌پرسم و خیلی خوب می‌تونه به همین جواب بده».

۱-۱-۲: پردازش دیداری:

پردازش دیداری، یکی از فرآیندهای روان‌شناختی پایه است که در پیشرفت تحصیلی و انجام مهارت‌های زندگی مستقل، نقش بسیار مهمی دارد. این مهارت در درک ریاضیات، شناخت عددی، خواندن، درک زوایا، اشکال هندسی، توانایی مورد نیاز نوشتن و دست خط نقش اساسی دارد. پردازش دیداری نه تنها بر یادگیری کودک مؤثر است، بلکه بر توانایی فکر کردن به شکل معمولی و حتی انجام فعالیت‌های ساده مانند جوگردن یک جفت جوراب یا انجام بازی‌های ساده تأثیرگذار است. پردازش دیداری به توانایی

^۱ Myers, D. G

^۲ Davis, N., & Colleague

^۳ Roberts, G

سازمان‌دهی اطلاعات دیداری در الگوهای معنادار و درک چگونگی تغییرات، حرکت و چرخش آن‌ها در فضای اطلاق می‌شود. طبق نظریه شناختی کارل، هورن و کتل^۱، پردازش دیداری به توانایی استفاده از تصاویر ذهنی مرتبط برای حل مسأله گفته می‌شود(اشنايدر و مک‌گریو، ۲۰۱۲). این مهارت، یکی از کارکردهای تخصصی نیمکره را سرت به شمار می‌رود و نقش بسیار مهمی در مهارت‌های پیچیده زندگی انسان ایفا می‌کند. نقش کارکردهای پردازش دیداری در رمزگشایی معنای بیان چهره‌ای و بسیاری از کارهای روزانه مانند تکمیل پازل، نقاشی کردن، بریدن و قیچی کردن مهم و ضروری می‌باشد. یکی از شرکت‌کنندگان در این‌باره می‌گوید: «دختر من یه کتاب داره که یه شکل‌هایی در صفحه مخفی شده و باید اونو پیدا کنه. این فعالیت جز کارهای مورد علاقه و هر روزش».

۱-۱-۳: بازشناسی:

بازشناسی به توانایی تشخیص رویدادها، اشیا یا مردم که قبلاً فرد با آن‌ها مواجه شده است، اطلاق می‌شود. زمانی که اتفاق تجربه شده مجدداً تجربه می‌شود، آن اتفاق با اتفاق ذخیره شده مشابه در حافظه هماهنگ شده و بازشناسی صورت می‌گیرد. بازشناسی، ساده‌ترین نوع حافظه است و تنها کاری که کودک باید انجام دهد این است که نشان دهد محرك جدید با محرك قبلی، همانند یا مشابه است. حافظه باز‌شناختی کودکان پیش‌دبستانی - توانایی تشخیص دادن این موضوع که آیا یک محرك به محركی که قبلاً دیده است شے باهت دارد یا خیر - به نحو عالی عمل می‌کند(برک، ۲۰۱۴). نظر یکی از مصاحبه شوندگان تأییدکننده این موضوع است: «پسرم از همون دو سالگی به بعد خیلی خوب مسیرها را به ذهنش می‌سپرد و مسیرهای آشنا را با ناآشنا خیلی زود متوجه می‌شد و به می‌گفت و از اینکه درست گفته خیلی ذوق می‌کرد».

۱-۱-۴: یادآوری:

به عمل بازیابی اطلاعات از گذشته که طی فرآیندهای ذهنی در حافظه صورت می‌گیرد، یادآوری می‌گویند. این یادآوری از طریق رمزگذاری و ذخیره کردن صورت می‌گیرد. یادآوری کودکان خردسال بسیار ضعیفتر از بازشناسی آن‌ها می‌باشد. یادآوری نسبت به فرآیند بازشناسی، دشوارتر است، زیرا مستلزم یادآوری چیزی است که حضور ندارد. یادآوری بهتر در اویل کودکی، ارتباط نیرومندی با رشد زبان دارد که بازنمایی‌های ذهنی بادوام تجربیات گذشته را به مقدار زیاد بهبود می‌بخشد. با این حال حتی کودکان پیش‌دبستانی که مهارت‌های زبان خوبی دارند، به طور نامناسبی یادآوری می‌کنند، زیرا هنوز در استفاده از راهبردهای حافظه ماهر نشده‌اند. راهبردهای حافظه، فعالیت‌های ذهنی عمده هستند که احتمال یادآوری ما را افزایش می‌دهند. یک دلیل این امر که کودکان بهتر از راهبردهای حافظه استفاده می‌کنند، این است که این راهبردها، حافظه کوتاه‌مدت محدود آن‌ها را عاجز می‌کنند. کودکان پیش‌دبستانی به سختی می‌توانند قطعه‌های اطلاعات را نگهدارند و در عین حال راهبردی را به کار ببرند(برک، ۲۰۱۴). یکی از مادران در این‌باره می‌گوید: « ما تو هفته این بازی را چندبار انجام میدیم که بهش میگم بیا تک تک

کارهایی که از صبح انجام دادیم را با هم بگیم. اولاً خیلی از کارهایی که انجام داده بودیم رو با دقت نمی‌گفت. ولی چندوقت که پشت هم باهاش کار کردم خیلی بهتر شده و همه را با جزئیات میگه.».

۱-۵: پردازش اطلاعات:

پردازش اطلاعات، روی راهبردهای ذهنی تمرکز می‌کند که کودکان برای تبدیل محرک‌هایی که وارد سیستم ذهنی آن‌ها می‌شوند، استفاده می‌کنند. اوایل کودکی، دوره پیشرفت‌های قابل ملاحظه در بازنمایی‌های ذهنی می‌باشد و مؤلفه‌های مختلف کارکردهای اجرایی مانند توجه، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی اطلاعات، کودکان را قادر می‌سازند در موقعیت‌های چالش‌انگیز شناختی موفق شوند. کودکان پیش‌دبستانی، همچنین از زندگی خود آگاه‌تر شده و دانشی را فرامی‌گیرند که برای موفقیت تحصیلی اهمیت دارد (برک، ۲۰۱۴). یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «حس می‌کنم نسبت به قبل، توجه و تمرکزش و دلیل آوردن اش خیلی پخته‌تر و بهتر شده».

۱-۶: حل مسئله:

حل مسئله، به فرآیند شناختی رفتاری اشاره دارد که طیفی از پاسخ‌های جایگزین و بالقوه را برای مقابله با شرایط دشوار فراهم کرده و امکان انتخاب مناسب‌ترین و موثرترین پاسخ را افزایش داده و فرد به وا سطه آن، کنش‌های موثری برای مقابله با شرایط مشکل‌آفرین زندگی را شنا سایی و کشف می‌کند. کودک برای تعامل نیازمند تفسیر موقعیت‌ها و مشکلات اجتماعی و انتخاب راهبرد مناسب در مواجهه با موقعیت مورد نظر است؛ به عبارتی کودک باید از توانایی و مهارت حل مسئله لازم در موقعیت‌های مختلف برخوردار باشد (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۲۰۱۵).

حل مسئله دارای چهار مهارت نسبتاً مجزا است: ۱. به کارگیری قوانین موجود به منظور حل مسئله، ۲. تبدیل مسئله به اجزای کوچک‌تر (تعیین اهداف، خرده هدف‌ها و تعیین گام‌هایی برای مشكّل‌گشایی)، ۳. انعطاف‌استفاده از ابزار به شکل نوین و بدیع)، ۴. مدیریت منابع (تحصیص کارا و مؤثر منابع) (خوبیریا و هو سماه، ۲۰۱۸). یکی از مادران در مورد حل مسئله می‌گوید: «کوچک‌تر که بود مشکلی که پیش می‌یومد سریع می‌یومد می‌گفت تو انجام بده یا گریه می‌کرد که البته خودم مقصربودم و سریع برash انجام می‌دادم. از یجایی به بعد به خودم اومدم و دیدم خیلی به من وابسته شده. خیلی رو خودم و دخترم کار کردم تا بهتر شد. الان با یه چالشی که روپرور می‌شه خودش سریع می‌گه خب حالا باید فکر کنیم بینیم چجوری می‌تونیم حلش کنیم».

۱-۷: بازی‌های هدفمند:

بازی موجب تحریک رشد و تحول شناختی کودک شده و از طریق توجه، تمرکز و از راه دستکاری اشیاء، کودک حقایق را کشف و تجربه کرده و این برخورده با واقعیت او را به فکر و تعمق و اداشته و وسعت فکر، توانایی و دقت را در او به وجود می‌آورد. استفاده از بازی به عنوان یکی از موثرترین راهبردهای آموزشی در جهت تقویت حافظه، افزایش دقت دیداری و شنیداری و در نهایت توانمندسازی کودکان می‌باشد. در پژوهشی از سمت عصب شنا سان دانشگاه کالیفرنیا که بر روی نقش بازی بر کودکان انجام شد، به این

۳۹ واکاوی نگرش مادران فسبت به مهارتهای شناختی- اجتماعی...

نتیجه ر سیدند که انجام بازی‌های هدفمند می‌تواند توانایی کودک در حل مسئله، حافظه، تصمیم‌گیری و پردازش اطلاعات را افزایش دهد (زارع و جهان آراء، ۲۰۱۳). نظر یکی از مادران نیز تأیید کننده این اهمیت است و می‌گوید: «من و پسرم از همون اول تولدش تا الان خیلی بازی‌های مختلفی که از سایتها و پیجای مختلف می‌دیدم با هم انجام دادیم و این به نظرم تو توانمندی پسرم خیلی خوب نقش داشته».

مضمون اصلی ۲ : مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی، مجموعه رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش‌های نامناسب اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران، تقاضای کمک کردن و قدردانی کردن نمونه‌های از این نوع رفتار هستند. یادگیری رفتارهای فوق و ایجاد رابطه اثربخش با دیگران یکی از دستاوردهای دوران کودکی است (بخشی، ۲۰۱۱). مفهوم مهارت‌های اجتماعی در این پژوهش، به برقراری رابطه مؤثر کودک با محیط همسالان و افراد جامعه اطلاق می‌شود. مضمون اصلی مهارت‌های اجتماعی در پژوهش حاضر را می‌توان در ۴ زیرمضمون دسته‌بندی کرد:

۲-۱: خانواده:

خانواده اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از چگونگی روابط اجتماعی آگاه می‌شود. کودکان نخستین دلبستگی عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در خانواده برقرار می‌سازند و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می‌کنند. در واقع خانواده، زنجیره ارتباطی اجتماع و تضمين کننده آرامش و ثبات جامعه است. خانواده جامعه کوچکی است که یکی از مهم‌ترین اهداف آن، رشد تکامل اجتماعی کودکان می‌باشد. بسیاری از جامعه شنا سان و روان شنا سان اعتقاد دارند تجاربی که کودک در سال‌های اول زندگی که معمولاً در محیط خانواده کسب می‌کند، زیر بنای شخصیت و رفتارهای بعدی او را تشکیل می‌دهد. یکی از مادران درباره نقش خانواده می‌گوید: «باباش خیلی آدم اجتماعیه و از همون اول با باباش خیلی می‌رفت بیرون و اینو می‌دید. به نظرم این یکی از چیزاییه که باعث شد خیلی خوب الان با آدما ارتباط بگیره».

۲-۲: کلاس‌های آموزشی:

پژوهشگران، انسان را محصول تعامل با محیط می‌دانند. در این میان، فضاهای آموزشی که در آن کودک برای کسب مهارت‌های لازم جهت زندگی در آینده آموزش می‌بینند، بسیار مهم تلقی می‌شود. بازی یکی از الزامات رشدی کودک است. کودکان در طی کلاس آموزشی و متعاقب آن بازی‌های آموزشی، به مفاهیم جدیدی دسترسی پیدا کرده و مهارت‌های اجتماعی بیشتری را کسب می‌کنند. آموزش از طریق بازی، به کودکان یاد می‌دهد چگونه خود را برای روبرو شدن و غلبه بر مسائل آینده آماده کنند؛ زیرا ارتقای مهارت‌های اجتماعی کودکان نیازمند فعالیت‌های گروهی برنامه‌ریزی شده و ساختارمند می‌باشد. یکی از مادران در این مورد می‌گوید: «از شش ماهگی کلاس میردمش و خب خیلی تأثیر داشت و الان که

۳۰ فصلنامه سلامت و آموزش در اوان کودکی؛ سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی (۴)، تابستان ۱۴۰۰

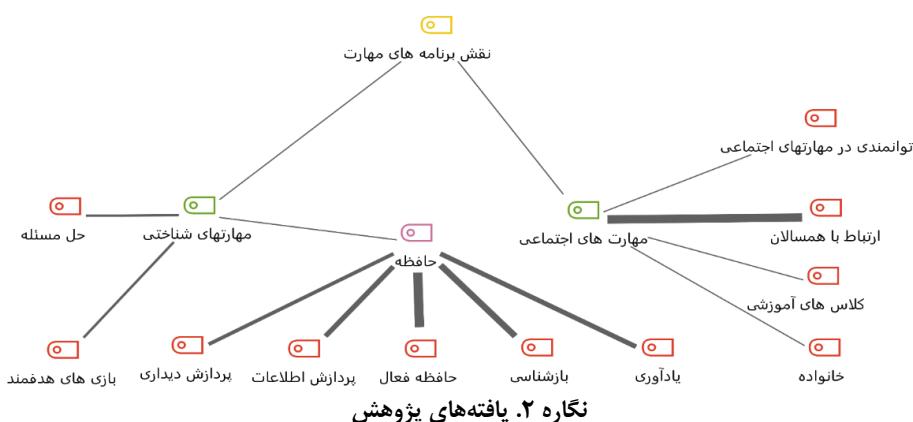
کلاس آنلاین میره خیلی خوب با بقیه همکلاسیايش ارتباط برقرار می‌کنه و تفاوتش با بقیه بچه‌ها کاملاً معلومه.».

۲-۳: ارتباط با همسالان:

دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به‌شمار می‌آیند، می‌توانند در یادگیری، پی‌شرفت‌تحصیلی و مهارت‌های کلامی فرد نیز نقش داشته باشند. در محیطی که هم‌سالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت‌های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می‌شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می‌یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می‌کند. ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان، موجب طرد و عدم محبوبیت می‌شود. تحقیقات زیادی نیز نشان می‌دهند که مشارکت کودکان در فعالیت‌های گروهی و بازی با هم‌سالان، موجب رشد اجتماعی آن‌ها می‌شود. نظر یکی از مصاحبه شوندگان نیز تأیید کننده این موضوع می‌باشد: «برای رشد مطلوب تو سن سه تا پنج سال، حتماً بچه‌ها باید با همسالاشون رابطه داشته باشن.».

۲-۴: توانمندی در مهارت‌های اجتماعی:

کودکان پیش‌دبستانی جهت موفقیت در مدرسه، علاوه بر مهارت‌های فیزیکی و شناختی، به مهارت‌های اجتماعی نیز نیاز دارند. مهارت‌های اجتماعی، بخش مهمی از اجتماعی شدن و تحول کودک محسوب می‌شود و به‌وضوح نیازمند آموزش هستند. این مهارت‌ها می‌توانند به عنوان توانش‌های لازم جهت تطبیق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش، تعریف شوند. کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی توانمند هستند، در برقراری رابطه مؤثر با همسالان و فرآیند یادگیری در محیط آموزشی، عملکرد بهتری دارند؛ زیرا کسب این مهارت‌ها سبب بهبود تعاملات بین فردی و کاهش مشکلات رفتاری در این دانش‌آموزان می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶). دیدگاه یکی از مادران در مورد توانمندی در مهارت‌های اجتماعی بدین شرح می‌باشد: «خیلی خوب با همه ارتباط می‌گیره و خودش برای رابطه میره پیش‌قدم می‌شه.».



بحث و نتیجه‌گیری

دوره کودکی به مثابه یک مرحله بسیار مهم در فرآیند تحول آدمی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این گستره تحولی، مجموعه‌ای از تغییرات هیجانی، روانی و اجتماعی رخ می‌دهد که اساس زندگی حال و آینده فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو پژوهش حاضر با هدف واکاوی نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی انجام شده که نتایج آن شامل مضمون‌های اصلی مهارت‌های شناختی با ۷ زیرمضمون «حافظه فعال، پردازش دیداری، بازشناسی، یادآوری، پردازش اطلاعات، حل مسأله و بازی‌های هدفمند» و مهارت‌های اجتماعی با ۴ زیرمضمون «خانواده، کلاس‌های آموزشی، ارتباط با همسالان و توانمندی در مهارت‌های اجتماعی» می‌باشد.

یکی از عواملی که به طور مستقیم بر سطح سواد مردم یکی جامعه اثر می‌گذارد کیفیت آموزش و برنامه‌در سی در نظام آموزشی هر کشور بهویژه آموزش دوره پیش از دبستان و دبستان است (بدريان و كيامنش، ۲۰۰۸). به همین دلیل، امروزه اهمیت و ضرورت آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است که افزایش روزافزون متقاضیان آموزش‌های این دوره، نیازهای والدین و اهمیت دوران کودکی، ضرورت تهییه برنامه غنی را در این دوره نشان می‌دهد. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که موفقیت کودکان در مدرسه تا حدی به آموزش‌ها و مهارت‌هایی بستگی دارد که قبل از ورود به مدرسه تجربه می‌کنند. به نظر می‌رسد توجه به مهارت‌های اصلی رشدی مانند مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اجتماعی از عواملی است که در این دوره باید پیش‌بینی و بر آموزش آن تأکید گردد. نتیجه پرداختن به این امور در دوره پیش از دبستان، می‌تواند در مراحل بعدی زندگی کودک به ظهور رس و موجب ارتقاء رشد اجتماعی و موفقیت تحصیلی گردد.

مهارت‌های اجتماعی که از مضمون‌های اصلی این پژوهش می‌باشد، از مهارت‌های بسیار اساسی در روند رشد کودک می‌باشد. انسان فطرتا موجودی اجتماعی است و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است؛ بسیاری از نیازهای عالی انسان، استعدادها و توانایی‌های او تنها از طریق تعاملات بین‌فردی و ارتباطات اجتماعی می‌تواند شکوفا شود. بدون تردید از نظر اجتماع، مهم‌ترین بعد شخصیت افراد، بعد اجتماعی است. رشد و تکامل انسان در دوره کودکی از نظر رشد اجتماعی، عاطفی، شناختی و جسمانی دارای ویژگی‌هایی است که توجه به آن‌ها می‌تواند کودک را از نظر سلامت‌روانی تأمین کند. نتایج این پژوهش نشان داد که کودکان بدون رشد اجتماعی و داشتن مهارت‌های لازم، قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین و ظایف خود را انجام دهند. مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز برای زندگی جمعی، طی فرآیند اجتماعی شدن که یکی از ضرورت‌های زندگی انسان است، کسب می‌شود. رشد اجتماعی نه تنها در سازگاری با اطرافیان موثر است بلکه در آینده بر میزان موفقیت تحصیلی، شغلی و پیشرفت اجتماعی نیز مؤثر خواهد بود. همچنین رفتار اجتماعی مناسب، اکتسابی و در بافت خانواده یاد گرفته می‌شود و با تمرین و تکرار نهادینه می‌شود که با تحقیقات ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۹) همسو است.

بازی‌های هدفمند و شرکت در کلاس‌های آموزشی، از دیگر مضمون‌پژوهش حاضر می‌باشد. یکی از معضلات امروز جامعه، عدم تحرک کافی در بین کودکان است که خلاف فطرت وجودی هر انسان است.

تجارب حرکتی در رشد اجتماعی نقش بسزایی دارند (عمارتی و همکاران، ۲۰۱۲). یکی از این تجارب، بازی است. در جریان بازی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کودکان تحول پیدا می‌کند و در چنین چارچوبی می‌توانند با بازسازی مکرر موضوعات و رویدادهای مهم، احساسات و هیجانات خود را ابراز کرده، به بیش جدیدی دست یابند و شیوه‌های سازش‌یافته‌تر بیان حل مسئله را فراگیرند. بازی بیشتر ناشی از انگیزه درونی است و در واقع بازتاب درون کودک است. همچنین کودکان، در جریان بازی با همسایان می‌توانند به صورت غیرمستقیم آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را فراگیرند (تسای، ۲۰۱۳).

از دیگر مضامین اصلی این پژوهش، مهارت‌های شناختی و کارکردهای اجرایی می‌باشد. مهارت‌های شناختی، فرایندهایی است که در گذر آن مهارت‌های تفکر کودک گسترش می‌یابد. این فرایند شامل تشخیص، تصور، ادراک، استدلال و حل مسئله است. رشد این مهارت‌ها به کودک کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را بهتر شناخته و از اندیشه‌یدن لذت ببرد. بدون شک، ارتقای این مهارت‌ها موفقیت‌های او را در سال‌های بعد در پی خواهد داشت؛ زیرا کودک در مواجهه با امور روزمره نیازمند درک کردن، تشخیص دادن، تفکر کردن و حل مسئله است. او برای اینکه بتواند محیط پیرامون خود را بشناسد. نیازمند این مهارت‌هاست. بنابراین موفقیت مربوط به زندگی آینده او در گرو توانایی وی در به کارگیری مهارت‌های شناختی است.

بر اساس مشاهدات و داده‌های تجربی، به نظر می‌رسد که آموزش‌های مقطع پیش از دبستان، تأکید عمدی بر آموزش مهارت‌های تحصیلی و آماده کردن کودک برای ورود به مدرسه است. این روی آورد باعث شده است آموزش حل مسئله که از زیرم خصموں‌های این پژوهش نیز می‌باشد، در سایه قرار گرفته و موجب می‌شود تا مشکلات عمده‌ای به علت خلاصه مهارت‌آموزی برای کودکان پیدی آید، زیرا حل مسئله از مهارت‌هایی است که در صورت آموزش می‌تواند بالندگی و بهداشت روانی کودکان را در مواجهه با مشکلات آینده حفظ و تقویت کند که این نتیجه با نتایج تحقیقات بخشایش و دهقان زردینی (۲۰۱۴) همخوان است که در پژوهش خود دریافتند که آموزش مهارت حل مسئله به دانش‌آموزان، موجب پرورش مهارت‌های اجتماعی و رفتاری لازم در آن‌ها می‌شود و توانایی مؤثر بودن، غالبه بر مشکل، توانایی برنامه‌ریزی و انجام رفتارهای هدفمند و مناسب با مشکل در آن‌ها افزایش می‌یابد.

در این پژوهش سعی شد نگرش مادران نسبت به مهارت‌های شناختی- اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی واکاوی و شناسایی شود. به نظرم رسد با به کارگیری و در نظرگرفتن عوامل شناسایی شده، بتوان قدم‌های بنیادینی در تربیت فرزندی موفق و شکوفا طی نمود.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش، تمام مصاحبه‌شوندگان به طور آگاهانه و با رضایت شخصی در مطالعه شرکت کردند و از آنها رضایت‌نامه کتبی اخذ شد. و در جهت رعایت حقوق شرکت‌کنندگان و رعایت اصل رازداری، اطلاعات افراد بدون اخذ نام و نام خانوادگی ثبت و ضبط شد و تحلیل‌ها نیز به شکل ناشناس انجام شد، به طوری که امکان بازگشت به افراد از طریق اطلاعات میسر نبود.

مشارکت نویسنده‌گان

در این پژوهش تماشی نویسنده‌گان در طراحی، اجرا و نگارش همه بخش‌های پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند. به این ترتیب که آقای سعید سجادی، نگارنده قسمت مقدمه و بحث و نتیجه‌گیری، آقای غلامعلی افروز در بازبینی ویراستاری و مدیریت مداخله و خانم معصومه ضابطی مسئول انجام مصاحبه‌ها و نگارنده قسمت یافته‌ها می‌باشند.

محاذدیت و پیشنهادات

۱. با توجه به کمبود پژوهشی در زمینه واکاوی مهارت‌های اصلی رشد در دوره پیش‌دبستانی، پیشنهاد می‌شود این پژوهش به سه صورت تکرار شود: تکرار کامل (اجرای مجدد پژوهش توسط همین پژوهش‌شگران)، تکرار حقیقی (اجرای مجدد پژوهش با پژوهش‌شگران دیگر با همین روند پژوهشی) و تکرار نظاممند (اجرای مجدد پژوهش در جمیعت دیگر).

۲. متأسفانه امروزه توجه و تأکید سیستم آموزشی به افزایش هوش دانشآموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انکاشته می‌شود در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، قادر مهارت‌های اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود ساز و کاری تدوین و اجرا شود تا کودکان قبل از ورود به سن مدرسه، با مطالعه و مشورت از متخصصین این حوزه با درایت بیشتر در مسیر مهارت‌های اجتماعی گام بردارند.

۳. در بسیاری از خانواده‌ها، آموزش مسائل شناختی و اجتماعی صرفاً به محیط‌های آموزشی مانند مهد کودک‌ها سپرده می‌شود در صورتی که خانواده به عنوان مراقبان اصلی کودک، باید به آموزش این مهارت‌ها از همان دوران اولیه کودکی اهمیت بدهند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود این مهارت‌ها از بدء تولد به خانواده‌ها آموزش داده شود تا در جهت انتقال یادگیری منسجم و کارآمد مهارت حل مسأله و مهارت‌های اجتماعی کودکان مؤثر باشد.

تضاد منافع

بنابراظهار نویسنده‌گان این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی نداشته است.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگانی که در فرآیند نمونه‌گیری ما را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

- Abolmaali, K. (2012). *Qualitative research: from theory to practice*: Alam Publication. pp: 113-136. [Persian].
- Badrian, A., Kiamanesh, A. R. (2008). *The need for rethinking the chemistry curriculum of different courses*. 7th National Conference of Iranian Curriculum Studies Association, Tehran Teacher Training University. [Persian].
- Bakhtshayesh, A., Dehghan Zardini, R. (2014). Effectiveness of problem solving skill training on reducing of behavioral problems among students. *International Journal of Behavioral Sciences*, 7(4), 347-353. . [Persian].
- Bakhshi, M. (2011). The effect of mind theory training on the social skills of students with mental disabilities aged 8 to 11 years. *Master Thesis in Exceptional Child Psychology and Education. Faculty of Psychology*, Tehran University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. [Persian].
- Barkley, R. A. (2001). *The executive functions and self-regulation: An evolutionary neuropsychological perspective*. *Neuropsychology review*, 11(1), 1-29.
- Bekman, B (2015). Students' Goal Orientations and Cognitive Engagement In Classroom Activities. *Journal Of Educational Psychology*, 80, 514-523.
- Berk, L. (2014). *Development through the lifespan*. (Seyed Mohammadi, Yahya). Tehran: Arasbaran publication. . [Persian].
- Côté, S. M., Larose, M. P., Geoffroy, M. C., Laurin, J., Vitaro, F., Tremblay, R. E., & Ouellet-Morin, I. (2017). Testing the impact of a social skill training versus waiting list control group for the reduction of disruptive behaviors and stress among preschool children in child care: the study protocol for a cluster randomized trial. *BMC psychology*, 5(1), 1-9.
- Denckla MB. (2005). Executive function. In: Gozal D, Molfese DL, editors. *Attention deficit hyperactivity disorder*. Berlin:Springer, 165-183.
- Davis, N., Sheldon, L., & Colmar, S. (2014). Memory mates: A classroom-based intervention to improve attention and working memory. *Australian Journal of Guidance and Counselling*, 24(01), 111-120.
- Ebrahimi, T., Aslipoor, A., Khosrojavid, M. (2019). The Effect of Group Play Therapy on Aggressive Behaviors and Social Skills in Preschool Children. *Journal of Child Mental* (Journal of Child Mental Health), Volume 6, Number 2; Page(s) 40 To 52. . [Persian].
- Emarati, F., Namazizadeh, M. Mokhtari, P., Mohammadian, F. (2012). Effects of selected elementary school games on the perceptual-motor ability and social growth of 8-to-9 year-old female students, *Journal of Research in Rehabilitation Sciences*, 7(5), 661. . [Persian].
- Forrester, M. A. (2013). *The development of young children's social-cognitive skills*. Psychology Press.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Methodological Epistemological Inquiry. *Educational Technology Research and Development*. 30(4), 233-252.
- Heckman, J. J., & Mosso, S. (2014). *The economics of human development and social mobility*. *Annu. Rev. Econ.*, 6(1), 689-733.

- Hernández-Lastiri, P., Borges, Á., & Cadenas, M. (2019). *Differences in Mechanisms of Social Interaction of Gifted Children Based on Peer Acceptance*. Acción Psicológica, 16(1), 13-30.
- Hooman, H. A. (2006). *A practical guide to qualitative research*. Tehran: Samat Publications. [Persian].
- Khoiriyah, A. J., & Husamah, H. (2018). Problem-based learning: Creative thinking skills, problem-solving skills, and learning outcome of seventh grade students. *JPBI (Jurnal Pendidikan Biologi Indonesia)*, 4(2), 151-160.
- Kim, H., Carlson, A. G., Curby, T. W., & Winsler, A. (2016). *Relations among motor, social, and cognitive skills in pre-kindergarten children with developmental disabilities*. Research in developmental disabilities, 53, 43-60.
- Kirk, S., Gallagher, J. J., & Coleman, M. R. (2014). *Educating exceptional children*. Cengage Learning.
- Krogh, sl, slentz. K. (2011). *Early chidhood education yesterday*. Tomorrow. Published the uk, Cambridge university.
- Myers, D. G. (2007). *Do what you feel, maybe: The powers and perils of relying on intuition*.
- Mofidi, F. (2014). *Foundations of education in preschool*. Tehran: SAMT publication. [Persian].
- Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Method of Anti-Method 1-Logic and Design in Qualitative Methodology*. Tehran: Sociologists Publication. . [Persian].
- Mohammadzadeh, Z., Salehi, K. (2015). Pathology of scientific vitality and dynamism in scientific and academic centers: A study according to "Phenomenology", *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 3(11), 1. .[Persian].
- Nurdyansyah, N., Siti, M., & Bachtiar, S. B. (2017). *Problem Solving Model with Integration Pattern: Student's Problem Solving Capability*.
- Nutbrown, C. (2011). *Key concepts in early childhood education and care*. Sage.
- Rimm-Kaufman, S. E., Curby, T. W., Grimm, K. J., Nathanson, L., & Brock, L. L. (2009). *The contribution of children's self-regulation and classroom quality to children's adaptive behaviors in the kindergarten classroom*. *Developmental psychology*, 45(4), 958.
- Roberts, G., Quach, J., Gold, L., Anderson, P., Rickards, F., Mensah, F., ... & Wake, M. (2011). *Can improving working memory prevent academic difficulties? A school based randomised controlled trial*. *BMC pediatrics*, 11(1), 1-9.
- Roskos, K. A., Tabors, P. O., & Lenhart, L. A. (2004). *Oral Language and Early Literacy in Preschool: Talking, Reading, and Writing*. International Reading Association, Headquarters Office, 800 Barksdale Rd., PO Box 8139, Newark, DE 19714-8139.
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., Shokoohi-Yekta, M. (2015). Representing the Teacher's Perceptions and Lived Experiences of the Possible Damages for Implementing the Descriptive Evaluation Scheme in Primary Schools, *Journal of Measuring and Educational Evaluation Studies*, 5(9), 59-99. .[Persian].
- Schneider, W. J., & McGrew, K. S. (2012). *The Cattell-Horn-Carroll model of intelligence*.

- Seidman, L. J. (2006). *Neuropsychological functioning in people with ADHD across the lifespan*. Clinical psychology review, 26(4), 466-485.
- Shokoohi-Yekta, M., Zamani, N., Pourkarimi, J. (2015). Effects of Problem-Solving Instruction on Improving Social Skills and Decreasing Behavioral Problems: A Single subject Study on slow-learner students, *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 10(4), 7-32. . [Persian].
- Tsai, M. H. (2013). *Research in play therapy: A 10-year review in Taiwan. Children and Youth Services Review*, 35(1), 25-32.
- Weber, S., Kronberger, N., & Appel, M. (2018). *Immigrant students' educational trajectories: The influence of cultural identity and stereotype threat. Self and Identity*, 17(2), 211-235.
- Zare, H., & Jahanara, A. (2013). *The Effect of Computer Games on Information Processing In Young Adults. Taffakor va Kudak (Thinking and Children)*, 4(1 (7)), 27-49. . [Persian]